

باسمه تعالی

۱ اشکال اول: عدم اتحاد مسلک شارع «بما هو عاقل» با عقلاء در برخی موارد.....

۲ اشکال دوم: عدم ملازمه بین اتحاد مسلک شارع «بما هو عاقل» و شارع «بما هو شارع».....

موضوع: حجج و امارات/سیره/مقام اول/ جهت چهارم

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل گفته شد برای اعتبار سیره عقلاء در دائره احکام شرعیه، نیاز به امضاء شارع هست. راه‌هایی برای اثبات امضاء بیان شده و مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه اشکالات وجه پنجم برای احراز امضاء بررسی می‌شود.

اشکال اول: عدم اتحاد مسلک شارع «بما هو عاقل» با عقلاء در برخی موارد

شهید صدر فرموده ممکن است حجج عقلائی نزد شارع «بما هو عاقل» معتبر نباشد به یکی از دو سبب: اول اینکه گاهی عقلاء تحت تأثیر رغبات و امیال انسانی قرار گرفته و بر اساس آن یک رویه بین آنها به وجود می‌آید، در این صورت شارع متحد المسلک با آنها نخواهد بود. به عنوان مثال عقلاء به سبب تنبلی به خبر ثقه اکتفاء کرده و تحقیق نمی‌کنند، در این صورت ممکن است شارع «بما هو عاقل» به دلیل مفسده موجوده در خبر واحد، آن را حجت نداد؛ و سبب دوم اینکه عقلاء محدودیت‌هایی در ادراکات خود دارند اما شارع محدودیتی نداشته و درک اتم دارد. پس شارع متوجه مفسده‌ای در خبر واحد شده که عقلاء به آن نرسیده‌اند، لذا شارع متحد المسلک با آنها نخواهد بود!

به نظر می‌رسد این اشکال وارد نیست؛ توضیح اینکه در نزد حکماء قوه عاقله مصون و معصوم از خطاست و فقط وقتی تحت سیطره قوه دیگر مانند غضبیه و شهویه و واهمه قرار گیرد، به خطا می‌افتد. سیره عقلاء سیره‌ای است که منشأ آن فقط درک عقلی است، و اگر منشأ دیگری مانند عواطف و امیال وجود داشته باشد، «سیره عرفیه» می‌شود. ایشان گمان کرده سیره عقلاء همان سیره عرف عام است، درحالیکه این دو متفاوت هستند. به عبارت دیگر هرچند ممکن است قوه عاقله تحت رغبات واقع می‌شود، اما سیره حاصل از آن سیره عقلاء نیست، بلکه سیره عرفیه عامه است. بنابراین سبب اول که ایشان برای تفاوت سیره عقلاء با رویه شارع «بما هو عاقل» بیان نمود، تمام نیست؛ سبب دو نیز تمام نیست زیرا عقلاء به دنبال بهترین طرق ممکنه هستند که بتواند حجت باشد. اگر حجج عقلائیه موجوده افضل حجج نباشد، خطای در قوه عاقله است. به عبارت دیگر اگر

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۴۵: «و فیه: اولاً ان احراز موافقة الشارع للعقلاء بما هو عاقل لمجرد كونه أحد العقلاء غیر صحیح إذ یحتمل مخالفتة لهم بما هو عاقل أيضاً لأحد سببین، أما لكون السیره العقلائیه غیر عقلیه بحتة بل متأثرة بالعوامل غیر العقلیه من العواطف و المشاعر الموجودة لدى العقلاء و المؤثرة فی قراراتهم كثيراً و أما لكون مرتبه عقله اتم و أكمل من مراتب عقولهم المستلزم لاتخاذهم موقفاً أفضل أو أشمل من موقفهم نتیجة ذلك».

حجج موجوده افضل حجج نباشد، یا عقلاء به دنبال افضل حجج نبوده‌اند که وجهی ندارد عقلاء «بما هم عقلاء» دنبال افضل نباشند (اگر به دنبال افضل نباشند، عاقل نیستند)؛ و یا باید گفته شود خطا کرده‌اند که فرض این است که قوه عاقله دچار خطا نمی‌شود.<sup>۲</sup>

البته ممکن است خبر واحد دچار اشتباه شود، اما افضل حجج موجوده است؛ زیرا عقلاء به دنبال افضل و احسن ما ممکن بوده هستند نه اینکه به دنبال احسن «ما يتصور» باشند؛ نظیر اینکه فلاسفه معتقدند نظام عالم بهترین نظام ممکن است، و بهتر از این محال است. مراد بهترین نظامی است که امکان وجود دارد، نه بهترین نظامی که امکان تصور دارد (زیرا ممکن است عالمی تصور شود که شرور و بیماری را نداشته اما کمالات حاصل از آنها را داشته باشد. چنین عالمی قابل تصور هست اما به دلیل تراحم در عالم ماده امکان وجود ندارد).

در نتیجه اشکال اول شهید صدر وارد نبوده و اگر سیره عقلاء شکل گرفت شارع «بما هو عاقل» نیز آن را معتبر خواهد دانست.

### اشکال دوم: عدم ملازمه بین اتحاد مسلک شارع «بما هو عاقل» و شارع «بما هو شارع»

شهید صدر اشکال دومی نیز دارند که تنجیز و تعذیر عقلی فقط در دائره اعمال مولویت مولی «بما هو شارع» است. اگر شارع «بما هو عاقل» روبه‌ای داشته باشد، تنجیز و تعذیر عقلی ندارد؛ زیرا تنجیز و تعذیر عقلی در جایی است که مولی از موقف مولویت خود استفاده نماید. در نتیجه اگر شارع «بما هو عاقل» متحد المسلك با عقلاء باشد، برای حجیت آن حجّت عقلائی کافی نیست.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد این اشکال هم با توجه به مبنای مرحوم اصفهانی وارد نیست. توضیح اینکه مرحوم محقق اصفهانی منکر حُسن و قبح عقلی بوده و فقط حُسن و قبح عقلائی را قبول دارد. پس مرحوم اصفهانی می‌تواند این اشکال را دفع نماید به این صورت که اگر عبدی بر رویه عقلاء در برابر مولی عمل نماید، و ردعی نسبت به آن حجّت از طرف مولی به عبد واصل نشود،

۲. مقرر: توضیح اینکه شارع نیز با توجه به شرائط ممکن برای عقلاء این راه را برای آنها بهترین راه می‌داند هرچند عقل شارع اتم بوده و راه بهتری برای کسانی که درک والایی دارند معرفی کند. یعنی شارع نیز برای این افرادی که درک والایی برای تشخیص مفاسد ندارند، این راه را معتبر می‌داند.

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۴۵: «و ثانیاً لو سلمنا إحراز الاتحاد بینه و بین العقلاء فی المسلك العقلائی فتارة یفرض انّ هذا الاتحاد یوجب القطع بأنّه بما هو شارع ایضا لا یخالفهم فهذا معناه عدم إمكان صدور الردع منه و انتفاء احتمالها و هو خلف المفروض، و آخری یفرض انّ احتمال اختلاف موقفه بما هو شارع و مولی عن موقفه العقلائی موجود فمن الواضح حیثنذ انّ مجرد إحراز موقفه بما هو عاقل لا أثر له فی التنجیز و التعذیر عقلاً إذ لا موضوعیه لمواقفه غیر المولویة فی هذا المجال و انّ اُرید جعل ذلك کاشفاً ظنیاً عن موقفه بما هو شارع فهذا الظن لا دلیل علی حجّته ما لم یرجع الی باب الظهور الحال فی الإضاء و القبول علی أساس النکات التي تقدّم شرحها».

نزد عقلاء مستحقّ عقوبت نیست. پس اگر عبد به سبب عمل به رویه عقلائی با تکلیف مولی مخالفت نماید، عقلاء مستحقّ عقوبت نیست (هرچند مخالفت با تکلیف مولی عقلاً قبیح است، اما ایشان حُسن و قبح عقلی را منکر بوده، و عقلاء نیز در این مورد به سبب وجود حجّت عقلائی عقاب را قبیح می‌دانند). بله اگر مولی از آن حجّت عقلائی ردع نموده و اصل به عبد شده باشد، در این صورت عقاب وی عقلاً قبیح خواهد بود. ظاهر کلام محقق اصفهانی همین است، البته فرض این است که عبد نیز مقصّر نبوده و فحص در شبهات حکمیه انجام داده و ردعی نیافته است.

در نتیجه اگر مرحوم اصفهانی ادعا نماید عقلاء در این موارد اعتبار عقوبت ندارند، اشکال شهید صدر موضوع نخواهد داشت.